

ایشده طایف ز فیض کاس محمد
وحدت ستود در طایف کثرت
یکسوز عشق جفا نشناسد
تابقیات مصون بود از ترزل
جیش عهد گرفته از وفور جلادت
حفظ حق اندر لباس سنج عناکب
هر چه کند التماس در حق امت
لیس کلای نبی نجات کمال
ماه بود عکسب از جمال محمد
در چین فاستقم قدم ننهاده
حرفش سانس نقش کلک قدم را
یافت جریری بتان ز حال صمبر
جند شیبی درین سراج فطرت
روزنه بشاکر تافت بر همه عالم
دست بدلمان ازین که نباشه

مژدم و عالم مکن قیاس محمد
بار کس ز او لباس محمد
هر که شد امر و زحق شناس محمد
دین قیوم قوی اساس محمد
منهزم از نیست زهراس محمد
دانت از یاس خصم پاس محمد
حق نکلند رة التماس محمد
صلی الله علی النبی و آله
مشک شیمی ز زلد و حال محمد
سر بر لایق باعتدال محمد
صدمه آید ز بیم و حال محمد
دین مهدی زینت از بلال محمد
مکتب از نیر کمال محمد
پر تو خورشید بی زوال محمد
جز بخت مال آل محمد

لیس کلای نبی نجات کمال
هر زمان جیست نعت و نام محمد
بهر نیای ز فوق مشرب سنا
جرج برین باهم مدراج رفعت
پیکر پشمال ای شده محرم
بهر خدا چون بفرز بر سناغیب
شرح کنی افتقار و عجز روی را
بعده در ایام بدین وسیله دولت
لیس کلای نبی نجات کمال
صلی الله علی النبی و آله
ممد طو حیح خدمت جان محمد
غشاه نشانان بازگاه جلالت
کشته نشان منزه بر نبی بنشانی
هست مبهان سرای نعت هستی
با همه اشجار جیست روضه نعت

صلی الله علی النبی و آله
صلی الله علی سید الانام محمد
تا بخشش جرعه ز جام محمد
هست کیس پایه از مقام محمد
در حرم جاه و عزام محمد
از قبل شب دلان سلام محمد
با کرم خاص و لطف عام محمد
در کف نخل آبتنام محمد
کاشف ستر مهدی بیان محمد
خاک و نشینان آستان محمد
مخوشش آنها بود نشان محمد
عالم و آدم طفیل خوان محمد
جند نمای ز بوستان محمد